



فهرست مطالب

- ۲.....وظائف تعلیمی و تربیتی خانواده
- ۲.....بررسی آیه اذن گرفتن اطفال از والدین در اوقات ثلاثه
- ۳.....مباحثی در ذیل این آیه
- ۳.....بحث اول: ادعای نسخ آیه
- ۳.....چند نکته در مورد این ادعا
- ۳.....وجوه اثبات اصاله عدم نسخ
- ۴.....طرق اثبات نسخ
- ۴.....ادعای آقای خوبی بر عدم وجود نسخ در آیات و روایات
- ۴.....معنای نسخ ادعاشده در مورد آیات
- ۵.....بحث دوم: ملاک در زمان و مکان استیذان



بسم الله الرحمن الرحيم

## وظائف تعلیمی و تربیتی خانواده

بحث در وظایف تعلیمی و تربیتی خانواده می‌باشد. در جلسه قبل به بررسی مجموعه‌ای از آیات مرتبط با بحث پرداختیم و در ادامه به برخی دیگر از آیات مرتبط با بحث می‌پردازیم.

### بررسی آیه اذن گرفتن اطفال از والدین در اوقات ثلاثه

آیه دیگری که در محل بحث مورد استشهاد قرار گرفته است آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتَّادِنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» نور / ۵۸ می‌باشد. در این دو آیه بیان شده است که کنیزان و غلامان و همچنین اطفالی که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند، در سه وقت به هنگام ورود باید اجازه بگیرند یکی قبل از نماز صبح و وقت دیگر هنگام استراحت میان‌روزی و وقت دیگر هم بعد از نماز عشاء می‌باشد، و این سه وقت، وقت خاص و مخفی برای والدین می‌باشد و بعد از این اوقات در اوقاتی که همدیگر را ملاقات می‌کنید می‌توانند بدون اذن هم داخل شوند. در این آیه می‌توان از عبد و اماء الغاء خصوصیت کرد و حکم در آیه را به مستخدمان هم سرایت داد. و در آیه بعد یعنی آیه «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» نور / ۵۹ می‌فرماید اطفالی که به سن بلوغ رسیده‌اند به‌طور کلی هرگاه که می‌خواهند داخل شوند باید اذن بگیرند.

این دو آیه از آیاتی می‌باشند که در محل بحث مورد استشهاد واقع شده‌اند البته تفاوت این دو آیه با برخی از آیات در این است که این دو آیه در مورد ادب خاص یعنی اذن به هنگام دخول به بیت و حریم والدین می‌باشد.



## مباحثی در ذیل این آیه

### بحث اول: ادعای نسخ آیه

در برخی تفاسیر و روایات عامه ادعا شده است که این آیه نسخ شده است و این مربوط به زمانی بوده است که اصحاب و مردم در مدینه خانه‌ها و اتاق‌هایشان درب و قفل نداشته است اما بعد از اینکه خانه‌ها دارای درب و قفل شدند این آیه نسخ شده است چون وقتی اتاقی که درب و بست دارد، باز باشد نشانه این است که ورود به آنجا برای اطفال و عبد و اماء مشکلی ندارد.

### چند نکته در مورد این ادعا

آقای خوبی در بیان و علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد نسخ مباحث خوبی مطرح کرده‌اند. در مورد ادعای فوق به چند نکته باید اشاره شود.

### وجوه اثبات اصاله عدم نسخ

نکته اولی که در ذیل این ادعا باید مطرح کنیم، بحث اصاله عدم نسخ می‌باشد. اصل عدم نسخ از سه طریق قابل اثبات می‌باشد.

۱. یکی از طرق اثبات اصل عدم نسخ این است که این اصل را به‌عنوان یک اصل لفظی و عقلایی مانند اصل عدم تخصیص و تقييد بپذیریم.

۲. راه و طریقه دوم اثبات اصاله عدم نسخ این است که این اصل را از طریق ادله روایی و بر اساس حدیث «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرَهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرَهُ وَقَالَ قَالَ عَلِيُّ ع مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سَنَةً.»<sup>۱</sup> اثبات کنیم.

۳. راه سوم اثبات این اصل آن است که آن را به‌عنوان یک اصل عملی و از باب استصحاب بپذیریم. البته این طریق در صورتی تام است که استصحاب در احکام کلی را بپذیریم.

<sup>۱</sup> - الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۵۸



## طرق اثبات نسخ

با توجه به سه طریقی که برای اثبات اصاله عدم نسخ ذکر شد، اصل بر عدم نسخ می‌باشد مگر اینکه به یکی از دو وجه زیر، نسخ اثبات شود

۱. راه اول اثبات نسخ، این است که در دلیلی معتبر به صراحت بر نسخ حکمی اشاره شده باشد.
۲. راه دوم اثبات نسخ این است که به صراحت در دلیل معتبر بر نسخ اشاره نشده باشد بلکه آیه و روایت متأخر با روایت معتبر اول به نحو اطلاق و تقیید قابل جمع نباشد و قرینه‌ای وجود داشته باشد که دلالت کند که بین آن‌ها حالت ناسخیت وجود دارد و الا اگر این قرینه وجود نداشته باشد، نسبت بین آن دو تعارض خواهد بود.

با توجه به مطالبی که بیان شد در محل بحث نمی‌توان نسخ آیه شریفه اذن گرفتن اطفال از والدین در اوقات ثلاثه را پذیرفت چون آنچه در تفاسیر عامه به عنوان نسخ ذکر شده است برداشت و تحلیلی است که مفسران ذکر کرده‌اند و این برداشت و تحلیل معتبر نیست.

## ادعای آقای خویی بر عدم وجود نسخ در آیات و روایات

بحث دیگری هم که در ذیل بحث نسخ وجود دارد این است که آقای خویی و برخی دیگر ادعا کرده‌اند که نسخ به معنای دقیق و اصطلاحی آن در آیات و روایات وجود ندارد. این ادعا بر دو رکن و پایه استوار است. رکن اول اصل اولی عدم نسخ می‌باشد و رکن دوم این ادعا، استقراء و فحسی است که در موارد ادعای نسخ شده است به این معنا که این موارد بیست یا سی‌گانه ادعایی هیچ‌کدام به معنای دقیق و اصطلاحی خاص، نسخ یعنی انتهاء امد الحکم نمی‌باشند بلکه نسخ به معنای عام و از باب تخصیص و تقیید یا تغییر موضوع و شرایط می‌باشند. به نظر ما رکن اول ادعای ایشان تام است اما رکن دوم ادعا که استقراء در موارد ادعای نسخ است نیاز به تحقیق و بررسی دقیق‌تر دارد که از آنجاکه در مورد آن کار اجتهادی نکرده‌ام آن را نه تأیید می‌کنم و نه نفی می‌کنم.

## معنای نسخ ادعاشده در مورد آیات

البته نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره شود این است که نسخ ادعاشده در محل بحث، نسخ اصطلاحی در اعصار متأخر که به معنای انتهاء امد الحکم است، نیست بلکه حداکثر این است که بگوییم معنای نسخ ادعاشده در محل



بحث، نسخ به اصطلاح عام و از باب تبدیل موضوع است یعنی آیه شریفه ۵۸ سوره نور مربوط به جایی است که خانه دارای در و قفل نمی‌باشد اما در حال حاضر که اتاق‌ها و خانه‌ها دارای در و قفل و بست می‌باشند این آیه مصداقی ندارد نه اینکه این آیه نسخ شده باشد مانند آنچه در مورد احکام عبید و إماء وجود دارد که احکام مربوط به آن‌ها نسخ نشده است بلکه عبید و إماء در عصر حاضر دارای مصداق نمی‌باشند و الا اگر در حال حاضر خانه و یا اتاقی دارای در و قفل نباشد و یا درجایی باشد که خانه‌ها دارای در و قفل نباشند این حکم مستفاد از آیه مصداق پیدا می‌کند. پس نسخ دارای دو اصطلاح خاص و عام می‌باشد و در اعصار متقدمه، نسخ به معنای عام آن استعمال می‌شده است.

## بحث دوم: ملاک در زمان و مکان استیذان

نکته دوم در مورد آیه این است که ملاک در استیذان در آیه به لحاظ زمانی و مکانی چیست؟ سؤال مهمی که به لحاظ مکانی وجود دارد این است که موضوع استیذان چه نوع خانه و اتاق و مسکنی است؟ آیا حکم در آیه اختصاص به خانه یا اتاقی دارد که دارای در و بست نمی‌باشد و یا اینکه خانه و اتاقی که دارای در و بست می‌باشد را هم شامل می‌شود؟ در پاسخ باید گفت قطعاً حکم در آیه شامل جایی که دارای در و بست نمی‌باشد می‌شود ولی به نظر می‌رسد که آیه اطلاق دارد و روح و متفاهم عرفی از آیه هر جایی است که عورت و خلوتگاه زن و شوهر می‌باشد و تفاوتی بین جایی که دارای در و بست می‌باشد و یا اینکه دارای در و بست نمی‌باشد، وجود ندارد و حتی خود بیت و اتاق هم خصوصیتی ندارد و حکم در آیه، هر مکانی مانند ویلا و یا چادر که زن و شوهری در آن زندگی می‌کنند و خلوتگاه و عورت آن‌ها محسوب می‌شود را شامل می‌شود و به لحاظ زمانی هم از این اوقات ثلاثه الغاء خصوصیت می‌شود و اگر در خانواده‌ای اوقات استراحت آن‌ها متفاوت از اوقات سه‌گانه در آیه باشد مثل اینکه در قطب زندگی کنند و یا اینکه کار و شغل آن‌ها در شب باشد و استراحت آن‌ها در روز باشد، باید در این اوقات اطفال جهت ورود اذن بگیرند. پس از مکان و بیت و زمان و عدد در حکم آیه الغاء خصوصیت می‌شود و ملاک در زمان و مکان، این است که آن زمان و مکان عورت و خلوت گاه زن و شوهر باشد و دیگر خصوصیات دخالتی در حکم ندارند. با توجه به ملاکی که برای استیذان ذکر شد، حکم در آیه شامل زن و شوهری که به دلیل سنی و یا مرض و یا به هر دلیل دیگر در مظان این مطلب نیستند و حالت خلوتی برای آن‌ها متصور نیست، نیز نمی‌شود و حکم در آیه از آن‌ها انصراف دارد.



شماره ثبت: ۱۶۹۳

---